

آنچه باید درباره

تربیت فرزندان

خود بدانید

ترجمه: ملیحه نصیری راد



انتشارات آدینه سبز

سرشناسه: نصیری‌راد، ملیحه، ۱۳۶۷
عنوان و نام پدیدآور: آنچه باید درباره تربیت فرزندان خود بدانید/ترجمه و تألیف ملیحه نصیری‌راد.
مشخصات نشر: تهران: آدینه سبز، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۲۹۲ ص.
شابک: ۸- ۳۹- ۶۷۴۵- ۶۰۰- ۹۷۸
وضعیت: پرست‌نویسی: فیبا
موضوع: کودکان -- سرپرستی
موضوع: رفتار والدین
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ آ ۸ ن / HQ ۷۶۹
رده‌بندی دیویی: ۶۴۹
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۰۵۷۷۶



تهران - خ انقلاب - خ فخررازی - کوچه ماستری فراهانی غربی - پلاک ۲۷ - انتشارات آدینه سبز

نام کتاب	آنچه باید درباره تربیت فرزندان خود بدانید
ترجمه	ملیحه نصیری‌راد
ویرایش	تحریریه آدینه سبز
نوبت چاپ	اول
چاپ	الهادی
تیراژ	۳۰۰۰ نسخه
شابک	۸- ۳۹- ۶۷۴۵- ۶۰۰- ۹۷۸
صفحه‌آرایی	آتلیه آدینه سبز (سمیه مددی)
آدرس الکترونیکی	adinesabz.com

تمامی حقوق این اثر برای ناشر محفوظ می‌باشد

تلفن: ۰۹۱۲۵۰۱۰۰۹۵-۶۶۹۷۵۹۳۹-۴۰

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۹.....	حرفه پدر و مادر بودن
۳۵.....	کودک نافرمان
۴۷.....	بازی
۵۵.....	تیززهای کودک
۷۵.....	کودکی که میل به غذا ندارد
۸۹.....	کودکی که ناخنش را می جود
۹۷.....	تنبیه و اثرات نامطلوب آن بر فرزند
۱۱۱.....	فرزند ارشد
۱۲۵.....	شرایط عمومی تربیت در خانواده
۱۳۵.....	اقتدار والدین
۱۴۹.....	انضباط
۱۶۳.....	اذیت
۱۷۹.....	کودک تنبل
۱۹۱.....	کودک خشمگین
۲۰۱.....	علائم کمرویی
۲۱۱.....	خانواده و پرورش کودکان
۲۲۳.....	کودکی که دروغ می گوید
۲۴۵.....	کودکی که میل دست‌درازی به اشیاء و اموال دیگران دارد
۲۵۹.....	کودک استقلال طلب
۲۷۷.....	چرا کودک بستر خود را خیس می کند

وراثت و محیط

مدت‌ها تصور می‌کردند که خلق و خوی و صفات شخصیتی مانند خصوصیات ارثی است و کودک ز رنگی یا تنبلی، راست‌گویی یا دروغ‌گویی، شرارت یا نجابت را با خود از شکم مادر به دنیا می‌آورد و تربیت، در اصلاح کودکان شرور و بدرفتار مؤثر نیست.

این فکر به وضوح در آثار بزرگان شعر و ادب ما به چشم می‌خورد. فردوسی حماسه‌سرای بزرگ ما پرورش را در اصلاح رفتار بد مؤثر نمی‌داند و می‌گوید:

درختی که تلخ است وی را سرشت
 گرش در نشانی به باغ بهشت
 وراز جوی خلدش به هنگام آب
 به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
 سرانجام گوهر به کار آورد
 همان میوه تلخ بار آورد

شمس‌المعالی کیکاوس بن اسکندر (۴۱۲-۴۷۵ هجری) در کتاب معروف خود قابوسنامه وراثت خلق و سرشت را به این نحو بیان می‌کند:

«مردم چون از عدم موجود شد، خلق و سرشت با او بود، هر چند بزرگ‌تر می‌شود جسم و روح او قوی‌تر می‌گردد، فعل وی پیداتر می‌شود از نیک و بد».

سعیدی نویسنده و شاعر اجتماعی نامدار ما (۶۱۰ - ۶۹۱ هجری) دو قرن بعد، خوبی و بدی، شرارت و نجابت، هوش و کندذهنی، مردی و نامردی را ارثی می‌شمرد و می‌گوید ناکس به تربیت کس نمی‌شود:

شمشیر نیک ز آهن بد چون کند کسی
ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس

و در جای دیگر اصلاح‌ناپذیر بودن کودک بدگوهر را چنین توصیف می‌کند.

چون بود اصل گوهری قابل
تربیت را در او اثر باشد
هیچ گوهر نکو نخواهد کرد
آسی را که گوهر باشد

حسین واعظ کاشفی (متوفی به سال ۹۱۰ هجری) صاحب اخلاق محسنی معتقد است که کودک خصوصیات اخلاقی و روانی را مانند صفات جسمانی از پدر و مادر به ارث می‌برد:

«چنانچه در سفیدی و سیاهی فرزند به پدر و مادر مشابه می‌باشد، در رذالت و نجابت همین قیاس باید کرد».

این نظریه تربیتی در دوران قدیم و قرون وسطی در دیگر نقاط عالم از جمله مشرق‌زمین مانند ایران رواج داشت و در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل

قرن بیستم پس از انتشار تئوری وراثت صفات جسمانی، شکلی به ظاهر علمی پیدا کرد.

عده‌ای از دانشمندان در مغرب‌زمین کوشیدند تا ثابت کنند همه صفات روانی و اخلاقی و حتی گرایش به فساد و جنایت و نیز مشاغل پست، ارثی است. آن‌ها بدین ترتیب نقش تربیت را نفی می‌کردند و سهم محیط را در رشد عقلی و پرورش صفات شخصیت و خصوصیات اخلاقی نادیده می‌گرفتند. ♦

گالتون و نبوغ موروثی او

نخستین کسی که در این راه کام برداشت فانیس گالتون مردم‌شناس انگلیسی بود که با انتشار کتاب معروف خود تحت عنوان نبوغ موروثی در ۱۸۶۹ میلادی می‌خواست نشان دهد که: «استعدادهای ذاتی مانند خصوصیات جسمانی همه موجودات زنده، ارثی است». او تاریخچه خانوادگی بسیاری از رجال سرشناس انگلیسی را مورد مطالعه قرار داد و مشاهده کرد که یک استعداد یا صفت در بیشتر افراد یک خانواده وجود دارد و از این‌رو نتیجه گرفت که این صفت ارثی است. اشتباه عمده گالتون در این تحقیق این بود که شرایط فوق‌العاده مساعد اجتماعی یکسان، افراد خانواده‌های رجال انگلیس را که روی پرورش آن‌ها اثر مطلوب داشت در نظر نمی‌گرفت و تصور می‌کرد مشاغل عالی و برجسته آن‌ها فقط و فقط معلول وراثت صفات عالی و برجسته روانی است.

۱. Educational Psychology تألیف گروهی از استادان دانشگاه‌های آمریکا، ص ۱۴، چاپ

پنجم، ۱۹۶۵، نیویورک.

گودارد^۱ و خانواده کالیکاک^۲

پس از گالتون عده‌ای از محققین با روش تاریخچه خانواده‌گی به تحقیق درباره وراثت صفات روانی پرداختند که از آن جمله گودارد است که تحقیق او درباره خانواده کالیکاک در همه کتاب‌های روان‌شناسی و تربیتی نقل می‌شود. کالیکاک یکی از سربازان انقلاب امریکا بود. او در سال ۱۹۱۲ میلادی با دختری منحرف در می‌خانه‌ای آشنا می‌شود و با او ازدواج می‌کند. از این ازدواج دو دهمانی با ۴۸۰ نفر به وجود می‌آید که اکثر آن‌ها دزد، گدا، فاحشه، الکی و جایینکار بودند و از هوش بهره کافی نداشتند. کالیکاک پس از مراجعت از جنگ با دختر باهوش و عقیقی از خانواده دیگر ازدواج می‌کند و نسلی مرکب از ۱۹۶ نفر به وجود می‌آورد که اکثر آن‌ها قاضی، معلم، پزشک، و صاحب مشاغل عالی بودند و از هوش و خرد بهره کافی داشتند. گودارد از اینجا نتیجه می‌گیرد که صفات و خصوصیات روانی ارثی است. او نیز مانند گالتون عامل محیط را در این تحقیق به حساب نمی‌آورد. در واقع شرایط پرورشی نامطلوب افرادی که از زن اول کالیکاک به وجود آمدند، آن‌ها را دزد، گدا و جانی بار آورد و شرایط زندگی مطلوب اولاد زن دوم بود که آن‌ها را به مشاغل خوب و عالی رساند.

پاولوف و تحقیقات او

رشد دانش فیزیولوژی، روان‌شناسی و علوم تربیتی در نیمه اول قرن بیستم بی‌پایگی نظریه توارث صفات شخصیت و خصوصیات اخلاقی و نقش عظیم شرایط پرورشی را در ساختار روانی کودک نشان داد. از آنجا که تحقیقات پاولوف (۱۸۴۹-۱۹۳۶ میلادی) در اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم اثر بسیار مهمی در رشد دانش روان‌شناسی و علوم

1. Goddard

2. Kalikak

تربیتی داشت و اهمیت قاطع محیط تربیتی را در ساختار شخصیت آدمیان نشان داد، در اینجا به اختصار درباره آن صحبت می‌کنیم. پاولوف نخستین کسی بود که ثابت کرد: «خصوصیات نفسانی تابع نظم معینی است و قاعده علیت دقیقاً بر آنها حکمفرماست»^۱.

کارهای پاولوف درباره انعکاس شرط و به طور کلی فعالیت عالی عصبی با تحقیقاتش در خصوص عمل غدد گوارشی مربوط است. خصوصیت برجسته کار پاولوف در فیزیولوژی گوارشی این بود که او به تفضیل پیچیده‌ترین مسائل عصبی یعنی انعکاس‌های غدد گوارشی را مورد تحقیق قرار داد. پاولوف در جریان این تحقیق به این امر برخورد که اعصاب غدد گوارشی هم بر اثر عوامل فیزیولوژیکی و هم بر اثر عوامل به اصطلاح روانی (Psychical) به کار می‌افتد. به عبارت دیگر انعکاس‌های بزاقی فقط با تماس محرک‌های غذایی با نقاط حساس لوله گوارش، به وجود نمی‌آید، بلکه وقتی محرک‌های غذایی در فاصله دوری از حیوان قرار دارند، با خصوصیات ثانوی روی اعصابش تأثیر می‌گذارند و باعث به وجود آمدن بازتاب‌های بزاقی می‌شوند.

در اینجا از دو نوع بازتاب یا انعکاس صحبت شده است. یکی بازتاب ناشی از تماس محرک‌های غذایی با نقاط حساس لوله گوارش و دیگری بازتاب ناشی از تأثیر محرک غذایی از دور. بازتاب نوع اول، بازتاب طبیعی نامیده می‌شود. یکی از همکاران پاولوف به نام اسنارسکی محلولی سیاه‌رنگ ترشی را چند بار داخل دهان سگ کرد و هر بار بزاق زیادی به دست آورد. در اینجا محلول سیاه‌رنگ ترش محرک مؤثر و طبیعی و تراوش بزاق پاسخ یا انعکاس طبیعی خوانده می‌شود. اسنارسکی پس از آن آب سیاه‌رنگی را وارد دهان سگ کرد و همان بزاق فراوان را به دست آورد. او وقتی از دور بطری محتوی مایع سیاه‌رنگ را به سگ نشان داد همین نتیجه را به دست

۱. روانشناسی آموختن، دکتر محمود صناعی.

آورد. این نتیجه برای آن دوره بسیار غیر منتظره بود، آب سیاه‌رنگ، از دور غدد بزاقی سگ را تحریک می‌کند به شرطی که قبلاً محلول سیاه‌رنگ ترشی داخل دهان همان سگ ریخته شده باشد. در این آزمایش محلول سیاه‌رنگ ترشی محرک طبیعی و تراوش آب دهان بر اثر این محرک، انعکاس طبیعی و آب سیاه‌رنگ، محرک شرطی و تراوش بزاق بر اثر آن، انعکاس شرطی است. چنانکه اشاره شد پاولوف ابتدا پاسخ اخیر را «تراوش روانی»^۱ نامید و سپس اصطلاح «انعکاس شرطی» را برای آن برگزید.

طبق تئوری انعکاس شرطی عوامل غیر مؤثر واکنش غذایی از قبیل نور، صدا و غیره می‌توانند محرک‌های شرطی غدد گوارشی شوند، به شرطی که با عمل یک محرک غذایی طبیعی همراه شوند. هر حیوانی در جریان رشد انفرادی ارتباط‌های عصبی اکتسابی جدیدی تحت تأثیر محیط کسب می‌کند. این ارتباط‌های عصبی موتی هستند و برای تعادل موجود زنده با محیط به کار می‌روند. بنابراین انعکاس‌های شرطی وسیله مخصوصی هستند برای پاسخ مناسب و فوری به ترکیبات و نوسانات متنوع دنیای محیط و تا حدودی وسیله مخصوصی برای رشد دائمی موجود زنده به شمار می‌روند. پاولوف با اثبات نقش تعیین‌کننده محیط خارجی در فعالیت سازشی سلسله اعصاب، تبدیل انعکاس‌های شرطی را به انعکاس‌های غیر شرطی یا ارثی نشان داد. او می‌گفت که ممکن است انعکاس شرطی (اکتسابی) جدید کم‌کم به انعکاس ثابت (طبیعی) تبدیل شود به شرطی که شرایط زندگی در جریان چندین نسل متوالی ثابت بماند.

پاولوف در آخرین مقاله خود برای دایرة‌المعارف، اهمیت انعکاس‌های شرطی را برای آسایش موجود زنده مورد تأکید قرار داد.

«آزمایش پاولوف دانش ما را از آموختن روان‌شناسی عمیق‌تر و وسیع‌تر کرده است... انکار نمی‌توان کرد که مکانیزم بازتاب شرطی قسمت اعظم

اكتسابات ما را توجیه می‌کند و بدون کمک آن هرگز نمی‌توانستیم اساس علمی بسیاری از آموخته‌های خود را به درستی بشناسیم... وقتی در دهانت به بز رقصیدن می‌آموزند در حقیقت از اصول انعکاس شرطی استفاده می‌کنند، بز را به قسمتی که بتواند فرار کند روی آهن داغ می‌گذارند، بز برای اینکه دست و پایش نسوزد گاه یکی از پاها و گاه پای دیگری را بلند می‌کند (به صورتی که گویی می‌رقصد). در این حال مربی بز آهنگی را با نی می‌نوازد. پس از چندبار تکرار این کار پاسخ شرطی در بز ایجاد می‌شود بدین صورت که وقتی بز در آهن داغ نیست با شنیدن همان آهنگ همان رقص را شروع می‌کند.

واتسن و آزمایش معروف او

تحقیقات پاولوف، بسیاری از روان‌شناسان بزرگ را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار داد. واتسن روان‌شناس آمریکایی و بنیان‌گذار روان‌شناسی رفتار، از جمله این افراد بود. او معتقد بود که می‌توان از کودک دیو یا فرشته ساخت و می‌گفت به من یک عده کودک بدهید تا من به دلخواه آن‌ها را پزشک، قاضی، دزد یا جانی بار آورم. او با این جمله به نقش عظیم تربیت در تشکیل ساختار روانی کودکان اشاره می‌کرد. واتسن با آزمایش معروف خود با آلبرت کودک یازده ماهه نشان داد که ترس‌های کودکان و در نتیجه اشخاص بالغ اکتسابی هستند و بر اساس مکانیسم انعکاس شرطی به وجود آمده‌اند. آلبرت مثل همه کودکان دیگر به طور غریزی فقط از دو چیز صدای شدید و ترسناک و افتادن می‌ترسید، واتسن با توجه به این امر، آزمایش خود را با آلبرت آغاز کرد. او موش سفیدی را به آلبرت نزدیک نمود و آلبرت به طرف موش دست دراز کرد تا با آن بازی کند. این کار چند بار تکرار شد و سپس واتسن یک روز ضمن نشان دادن موش به آلبرت صدای شدیدی ایجاد کرد که بر اثر آن آلبرت ترسید و به گریه افتاد. روز بعد همین آزمایش

تکرار و همین نتیجه مشاهده شد. در روز سوم آلبرت فقط با مشاهده موش و بدون اینکه صدایی بشنود شروع به گریستن کرد. بدین ترتیب معلوم گردید که ترس‌های کودکان اکتسابی هستند. بعداً این کودکان با مشاهده خرگوش و حتی اسباب‌بازی‌های پشم‌دار و پیرمردان ریش سفید دچار ترس می‌شد. خود یاولوف و شاگردانش بر اساس انعکاس شرطی در آزمایشگاه در سگ بیماری نروزی که نوعی ناراحتی روانی است به وجود آوردند. بدین نحو که در حیوان انعکاس شرطی تراوش آب دهان نسبت به شکل دایره ایجاد کردند و سپس این شکل را به تدریج تغییر دادند تا جایی که سگ نمی‌توانست تشخیص دهد که محرک مزبور دایره است یا خیر و در نتیجه دچار بلا تکلیفی و ناراحتی روانی گردید. زوزه می‌کشید و خودش را به این طرف و آن طرف می‌زد بلا تکلیفی و تعارض روانی در زندگی آدمیان نیز به همین نحو سبب بیماری‌های روانی نروزی می‌شود.

در ده سال اخیر علاقه به یاولوف در انگلستان نیز زنده شده است و دانشمند بزرگی مثل ایزنک نه تنها معتقد است که شخصیت و خوی با روش یاولوف به وجود می‌آید بلکه امراض روانی را نیز زاده پاسخ شرطی می‌داند و معتقد است از راه پاسخ شرطی می‌توان به درمان آن‌ها اقدام کرد.

بنابراین صفات شخصیت و خصوصیات اخلاقی چون صفات جسمانی مادرزادی نیست و تحت تأثیر پرورش و محیط زندگی به وجود می‌آید. حتی صفات جسمانی نیز بر اثر شرایط زیست تغییر می‌کنند در مورد نبوغ و هوش تا امروز هیچ آزمایشی موروثی بودن آن را به اثبات نرسانده است. برعکس تحقیقات محققین مغرب‌زمین نشان داده است که بهبود شرایط خانوادگی و محیط موجب بالا رفتن بهره^۱ هوش می‌شود. باید توجه داشت که «موجود

۱. بهره هوش یک اصطلاح روانشناسی و معیار مقایسه هوش کودکان است، راه به دست آوردن بهره هوش به ترتیب زیر است: سن عقلی کودک را با آزمون‌های (تست‌های) هوش به دست می‌آورند و آن را بر سن حقیقی او تقسیم و حاصل تقسیم را برای از بین بردن کسور در ۱۰۰ ضرب می‌کنند. به این ترتیب کودک را با همسالانش مورد مقایسه قرار می‌دهند.

زنده بدون محیط خارجی خود نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. بنابراین تعریف موجود زنده باید شامل محیطی که در او تأثیر می‌گذارد، شود. از اینجا نقش عظیم محیط پرورشی و مربیان در پرورش کودکان، این سازندگان تاریخ فردا روشن می‌شود.

در مورد گروهی از کودکان که با بهره‌هوشی بسیار پایین و صفات روانی ناهنجار به دنیا می‌آیند باید گفت که طبق تحقیقات علمی عوامل نامساعد از قبیل فقر، کم‌غذایی و بیماری سبب ناهنجاری این قبیل کودکان می‌شود و با از بین رفتن این عوامل به تدریج ناهنجاری‌های روانی کم می‌شود و از طرف دیگر از راه آموزش و پرورش می‌توان از تأثیر این نارسایی‌ها کاست.

با توجه به آنچه گذشت با بهبودی شرایط تربیتی و برداشت تربیتی درست در خانه و مدرسه می‌توان قدام‌های مؤثری در پرورش مطلوب کودکان برداشت و خلق و خوی و شخصیت آن‌ها را به نحو مطلوب شکل داد.

معمولاً بهره‌هوش کودک بهنجار و معمولی ۱۰۰ است و آن‌هایی که بهره‌هوش بالاتر از صد دارند باهوش و کودکانی که بهره‌هوشی کم‌تر از ۱۰۰ دارند کم‌هوش می‌باشند. همان‌طور که در متن گذشت، نباید بهره‌هوش را چیزی غیرقابل تغییر دانست. بهبود شرایط زندگی و محیط مدرسه موجب بالا رفتن بهره‌هوش کودک می‌شود.